

باند دزدان معتاد در مشهد متلاشی شد

ماجرای خودروهای بی‌یال وکوپال!



اورا زیر چتر اطلاعاتی بگیرند. این در حالی بود که استعلام مخفیانه نیروهای انتظامی از مرکز فرماندهی، از سرقتی بودن خودروی مذکور حکایت داشت بنابر این ماموران طوری دستبندهای قانون را پشت فرمان خودرو به دستان راننده حلقه زدند که از بیرون چیزی مشخص نبود.

در این هنگام ناگهان پراید دیگری از راه رسید و کنار خودروی جوان ۳۰ ساله توقف کرد. ماموران کلانتری نیز بی درنگ دستبندهای فولادین را بر دستان راننده ۲۴ ساله کره زدند و با انتقال دو متهم معتاد به کلانتری، بررسی های تخصصی را آغاز کردند. از سوی دیگر در بازرسی از مخفیگاه «میلاد» (متهم ۳۰ ساله) تعدادی مدارک خودروهای سرقتی دیگر نیز کشف شد و بدین ترتیب ماجرا اهمیت ویژه ای یافت. دو سارق حرفه ای که زیر رگبار سوالات فنی قرار گرفته بودند، به سرعت دو خودروی مذکور از ابتدای خیابان فرمانیه شاندیز و کوی سیدی مشهد اعتراف کردند.

مسعود (متهم ۲۴ ساله) در ادامه بازجویی ها گفت: من به تازگی وارد پاتوق خلافکاران در منطقه توس شده بودم که با «میلاد» هنگام مصرف مواد مخدر آشنا شدم. او خودروی سرقتی داشت که با یکدیگر به منطقه شاندیز رفتیم و من هم خودرویی را سرقت کردم. قرار بود ابتدا اقلعات قابل فروش هر دو خودرو را

سجاد پور - اعضای یک باند سرقت خودرو در حالی با تلاش گسترده نیروهای کلانتری سپاد مشهد دستگیر شدند که اموال و قطعات قابل فروش را باز می کردند و سپس این خودروهای بی‌یال و کوپال را در کوچه پس کوچه های شهر رهامی کردند.

به گزارش اختصاصی خراسان، ماموران کلانتری سپاد مشهد در پی رصد های اطلاعاتی به سر نخ هایی از سرقت خودروهای پراید دست یافتند که بررسی های نامحسوس نشان می داد، یک باند حرفه ای در سرقت این خودروها نقش دارند بنابر این ها با استفاده از راهنمایی و تجربیات سرهنگ حسین دهقان پور (رئیس پلیس مشهد) به تجزیه و تحلیل های کارشناسی پرداختند و شیوه های شناسایی و دستگیری عاملان این سرقت ها را زیر ذره بین تحقیقات قرار دادند. چند ساعت بعد گروه ویژه ای از افسران دایره اطلاعات و تجسس با فرماندهی مستقیم سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سپاد) وارد عمل شدند و به طور نامحسوس به گشت زنی بامدادی پرداختند. حدود ساعت ۳:۳۰ بامداد نیروهای گشت نامحسوس به خودروی پرایدی در خیابان توس ۴۳ مشکوک شدند که راننده ۳۰ ساله آن مدعی بود در آن ساعت بامداد قرار ملاقات ویژه ای با یکی از دوستانش دارد. همین جمله کافی بود تا نیروهای کارآزموده کلانتری



باز کنیم و سپس برای مصرف مواد مخدر به قله کوه های خلیج برویم! این سارق جوان ادامه داد: بعد از آن که قطعات خودروهای پراید را به سرقت می بردیم، لاشه آن را که دیگر مانند شبی یال و کوپال بود، در مناطق خلوت رهامی کردیم.

گزارش خراسان حاکی است در حالی که تعدادی از شاکیان به کلانتری مراجعه کرده اند، بررسی های بیشتر درباره سرقت های دیگر اعضای این باند و مالخران اموال سرقتی همچنان ادامه دارد.

انفجار بادکنک هلیومی در یک کافه در تهران ۸ کشته داشت

جشن تولدی که به عزاتبدیل شد

ظاهرا انفجار بادکنک هلیومی منجر به این حادثه شده است. همچنین سخنگوی اورژانس اعلام کرد: بی احتیاطی در برگزاری جشن تولد، منجر به آتش سوزی در یک رستوران و در نهایت فوت هشت شهروند شیرازی شد. مجتبی خالدي گفت: سقف رستوران کنفی بود و به سرعت آتش سوزی گسترش یافت. افرادی که قادر به خروج از رستوران بودند، جان خود را نجات دادند اما تعدادی کشته شدند.

رئیس آتش نشانی شیریار هم ادامه داد: در اولین ساعات انفجار، دادستان و عوامل امدادی اورژانس حضور پیدا کردند و موضوع حادثه هم در دست بررسی است.

به بیمارستان جانشر را از دست داد. به گفته وی، علت وقوع این حادثه توسط نیروهای آتش نشانی بررسی و اعلام خواهد شد. همچنین مجتبی خالدي، سخنگوی اورژانس کشور در این باره گفت: برابر گزارش اورژانس هشت تن شامل چهار کودک سه تا شش ساله، سه خانم ۲۰ تا ۴۰ ساله و یک آقای حدودا ۵۰ ساله جان خود را از دست داده اند.

وی درباره علت وقوع این حادثه نیز اظهار کرد: گزارش های اولیه حاکی از آن است که در این کافه که در زیرزمین واقع شده بود، یک مراسم جشن تولد در حال برگزاری بوده و

کرد: حوالی ساعت ۲۱ سه شنبه شب، حادثه انفجار در یک کافه در شهرستان شیریار به جمعیت هلال احمر اعلام شد و نیروهای هلال احمر به عنوان پشتیبان آتش نشانی و اورژانس وارد عمل و به همراه تجهیزات و امکانات نجات به محل اعزام شدند.

وی با بیان این که این حادثه در «شهرک مریم» رخ داده، اظهار کرد: متأسفانه هشت نفر در این حادثه جان خود را از دست دادند. به گفته وی هفت نفر در محل وقوع حادثه جان باختند و یک کودک سه ساله هم پس از انتقال



مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان تهران از مرگ هشت تن در پی انفجار در یک کافه در «شهرک مریم» شیریار خبر داد. شاهین فتحي در گفت و گو با ایسنا، در این باره اظهار

فوت کودک ۲ساله به دلیل پنچر کردن چرخ آمبولانس!

بنابر اعلام روابط عمومی مرکز اورژانس تهران، رئیس اورژانس تهران خاطر نشان کرد: عملیات احیای کودک با موفقیت انجام می شود و شرایط حال کودک رو به بهبودی پیش می رود اما وقتی نیروهای اورژانس پس از عملیات احیا، قصد انتقال بیمار به آمبولانس را داشتند، متوجه می شوند دو عدد از چرخ های آمبولانس توسط فردی ناشناس آسیب دیده و باد های لاستیک آن خالی شده است. نیروهای اورژانس با مشاهده این وضعیت برای انتقال بیمار آمبولانس دیگری درخواست می کنند که آمبولانس دوم در محل حاضر می شود اما متأسفانه طولانی شدن روند انتقال به دلیل اتفاق به وجود آمده، باعث وخامت مجدد حال کودک می شود و او جان خود را با وجود تمام تلاش های نیروهای اورژانس از دست می دهد.

به گفته وی، اداره حقوقی مرکز اورژانس تهران پیگیر پرونده این کودک در مراجع قضایی است. این خبر بازتاب زیادی در فضای مجازی داشت و کاربری نوشت: «از نظر من که از باب تسبیب و حکم عقل جمعی به کشته شدن این کار، پنچر کننده مرتکب قتل عمد شده است.»

رئیس اورژانس تهران درباره فوت دختر بچه دو ساله به دلیل پنچر کردن چرخ های آمبولانس اورژانس توضیحاتی ارائه کرد.

به گزارش ایلنا، یحیی صالح طبری رئیس اورژانس تهران گفت: حوالی ساعت ۱۴:۴۲ روز سه شنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۱، در تماس با مرکز ۱۱۵ اورژانس تهران گزارش ایست قلبی- تنفسی دختر بچه ای دوساله به این مرکز اعلام می شود که نیروهای اورژانس در کمترین زمان ممکن خود را به محل حادثه در خیابان شهید بهشتی می رسانند.

وی ادامه داد: به دلیل شرایط ترافیکی این خیابان و نبود جای پارک مناسب و حال وخیم دختر بچه، به ناچار نیروهای اورژانس تهران برای نجات جان بیمار، آمبولانس را در خط ویژه با رعایت اصول ایمنی و تردد خودروهای دیگر پارک می کنند. تکنیسین های اورژانس که خود را به سرعت به آدرس کودک بد حال می رسانند و با بدن کم جان دختر بچه روبه رو می شوند، بلافاصله وظیفه دانی خود را که نجات جان یک انسان است، آغاز و اقدامات احیای قلبی- ریوی را شروع می کنند.

واژگونی مرگبار آمبولانس حامل بیمار!



در حادثه تصادف شدید آمبولانس با کامیون، تکنیسین اورژانس جان باخت و دو بیمار و راننده آمبولانس به شدت مصدوم شدند. به گزارش رکتنا، ساعت ۱۶:۰۳ ستاد فرماندهی آتش نشانی شیراز، به دنبال دریافت گزارش شهروندان مبنی بر وقوع تصادف دو دستگاه خودرو، بلافاصله آتش نشانات ایستگاه ۱۳ و گروه امداد و نجات جاده ای را به محل حادثه در حوالی روستای مهار اعزام کرد. بر اساس این گزارش، در این حادثه یک دستگاه خودروی آمبولانس حامل دو بیمار (دو خانم جوان)، راننده خودرو و تکنیسین خانم ۴۰ ساله اورژانس حین حرکت در مسیر، به علت نامعلوم به شدت با یک دستگاه کامیون باری برخورد کرد. به دنبال وقوع این تصادف شدید خودروی آمبولانس واژگون شد و سر نشینانش مصدوم شدند. آتش نشانات ضمن ایمنی کامل محور و کشیدن نوار هشدار دهنده، مصدومان حادثه را به عوامل اورژانس حاضر در صحنه تحویل دادند. متأسفانه تکنیسین خانم ۴۰ ساله در دم جان باخت و سه مصدوم دیگر شامل دو خانم بیمار آمبولانس و راننده به دلیل شدت جراحات وارده شده به مراکز درمانی منتقل شدند.

آتش نشانات و نجاتگران پس از پاک سازی کامل و انتقال خودرو به محل امن به عملیات خود خاتمه دادند. گفتنی است راننده کامیون در این حادثه مصدومیتی نداشت.

خسارت میلیونی به دلیل سهل انگاری

در حفظ کارت بانکی

هر گونه جرم ارتكابی بود، پس از مواجهه با مستندات و مدارک موجود به جرم خود اقرار و اعتراف کرد در زمان انجام خرید توسط شاکی در یک مغازه، از رمز بانکی او آگاه شده و با سرقت کارت بانکی فرد مذکور، طی چند مرحله، اقدام به برداشت غیر مجاز از حساب شاکی کرده است.

این مسئول انتظامی با اشاره به این که متأسفانه برخی اوقات شهروندان در نگهداری کارت و رمز بانکی خود سهل انگاری می کنند که منجر به برداشت غیر مجاز وجه از حساب بانکی و سوء استفاده های بعدی از آنان می شود، به عموم مردم توصیه کرد: هرگز اطلاعات شخصی از جمله اطلاعات کارت بانکی خود را در فضای مجازی به اشتراک نگذارند و همچنین هنگام گم شدن یا سرقت کارت بانکی فوراً با پشتیبانی بانک تماس بگیرند و آن را مسدود کنند.

توکلی - فردی که اقدام به برداشت اینترنتی ۱۶۰ میلیون ریال به صورت غیر مجاز از حساب بانکی شهروندی کرده بود، به چنگ قانون افتاد.

به گزارش خراسان، رئیس پلیس فتای استان کرمان بیان کرد: به دنبال شکایت یک خانم مبنی بر برداشت غیر مجاز ۱۶۰ میلیون ریال از حساب بانکی اش طی چندین مرحله، موضوع برای شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان جرم در دستور کار کارشناسان این پلیس قرار گرفت. سرهنگ محمدرضا رضایی ادامه داد: با بررسی های تخصصی و شگردهای خاص پلیسی، متهم مرتبط با این موضوع که دختری نوجوان بود، در یکی از شهرستان های غربی استان کرمان شناسایی و با هماهنگی قضایی، دستگیر و به مقر پلیس مرکز استان منتقل شد. وی افزود: این متهم که در تحقیقات اولیه منکر

آگهی ارزیابی کیفی مشاوران شماره ۱۴۰۱/۰۳



وزارت راه و شهرسازی

شرکت ماهر تخصصی عمرانی شهرهای جدید

شرکت عمران اشهر جدید گلبهار

شرکت عمران شهر جدید گلبهار وابسته به وزارت راه و شهرسازی در نظر دارد به استناد آیین نامه خرید خدمات مشاوره به شماره ۱۹۳۴۲/ت/۴۲۹۸۶ ک مورخ ۱۳۸۸/۰۱/۱۰ و اصلاحیه های مربوطه، پروژه ذیل را در شهر جدید گلبهار و براساس مشخصات و شرایط کلی ذیل به مشاورین واجد شرایط واگذار نماید، لذا متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد ارزیابی به درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس: www.setadiran.ir مراجعه نمایند. ضمنا کلیه مراحل انتخاب مشاور از دریافت اسناد ارزیابی و تکمیل و ارائه پیشنهادات و بازگشائی پاکتها از طریق سامانه یاد شده انجام خواهد شد. لازم است مناقسه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصات محقق نمایند. ۳۲۵ع٪

موضوع فراخوان

رشته و پایه مشاور

شماره فراخوان سامانه ستاد

حدائق پایه ۲ گروه معماری و شهرسازی در تخصص های شهرسازی و

انجام خدمات مشاور نظارت پروژه های نهضت ملی در

ساختمان های مسکونی، تجاری، اداری، صنعتی و نظامی به صورت توام

شهر جدید گلبهار

از سازمان برنامه و بودجه کشور

۲۰۰۱۰۰۱۲۷۶۰۰۰۰۰۳

-آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی : پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۱/۳/۳۱

- آخرین مهلت تکمیل و ارسال اسناد ارزیابی کیفی: پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۱/۴/۱۴

روابط عمومی شرکت عمران شهر جدید گلبهار

۱۲۰۱۷۵۲۰

در امتداد تاریکی

جهنم سیاه!

اوقط به دلیل پیام صمیمانه ای که یکی از همکلاسی هایم برایم ارسال کرد و ازدواجم را تبریک گفت، به شدت عصبانی شد و طوری با مشت به دهانم کوبید که لبم پاره شد و از آن روز به بعد...

به گزارش خراسان، این هابخشی از اظهارات زن ۲۸ ساله ای است که پس از فرار از منزل به کلانتری پناه آورده بود. او درباره سرگذشت تلخ خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری نجفی مشهد گفت: تک فرزند خانواده بودم و پدرم در یکی از نانوائی های مشهد کار می کرد، به همین دلیل باید صبح زود سر کار می رفت. من کودکی خردسال بودم که یک روز صبح پدرم در مسیر رفتن به نانوائی با یک خودرو تصادف کرد و در دم جان سپرد. مادرم که هیچ شغل و درآمدی نداشت به ناچار یک سال بعد از مرگ پدرم ازدواج کرد و بدین ترتیب من هم وارد یک زندگی جدید شدم و تا مقطع دبلم در سر خواندم اما بعد از آن در کلاس های آموزش فیلم برداری شرکت کردم تا بتوانم شغلی برای خودم پیدا کنم. بعد از پایان دوره آموزشی در یک عکاسی مشغول کار شدم و همزمان تحصیلاتم را در رشته حسابداری در یکی از دانشگاه های علمی کاربردی ادامه دادم. آن جابود که با بیشتر همکلاسی های دانشگاه ارتباط صمیمانه ای برقرار کردم و طبق قرارمان در روزهای آخر هفته به صورت

مختلط به مناطق دیدنی ای تفریحی می رفتیم. از سوی دیگر ارتباط گسترده ای در فضای مجازی با یکدیگر داشتیم و پست ها و پیام های همدیگر را تایید می کردیم. در همین روزها وقتی برای فیلم برداری به یک مجلس عروسی رفتم با جوانی آشنا شدم که برای آرایش داماد آمده بود. آن آرایشگر ۳۰ ساله فقط تا

مقطع راهنمایی تحصیل کرده بود اما وضعیت مالی خوبی داشت و استاد کار ماهری بود. «صادق» بعد از این آشنایی چند ساعته از مشکلات دوران کودکی اش برایم سخن گفت و این که پدرش به دلیل خیانت، مادرش را طلاق داده است و او همواره با بایوس های خیانت زندگی می کند. خلاصه ارتباط من و صادق نزدیک تر شد و او ادعای کرد همواره از این وحشت دارد که روزی من هم به او خیانت کنم و تنهایش بگذارم ولی من اطمینان می دادم که چنین اتفاقی نخواهد افتاد. مدتی بعد صادق به خواستگاری ام آمد و من با وجود مخالفت های مادر و ناپدری ام به ازدواج با او اصرار کردم. بالاخره مراسم عقد کان ما برگزار شد و من در همان شب جشن، تصویری را لباس عروسی در کنار صادق را در صفحه اینستاگرام گذاشتم و بدین ترتیب سیل تبریکات همکلاسی هایم شروع شد. در میان آن ها جوانی به نام رحمت که همیشه در

تورهای آخر هفته همراهان بود نیز پیام تبریکی با جملات ادبی برایم فرستاد. من هم پاسخی صمیمانه به او دادم. در این هنگام صادق پیام مرادید و چنان مشتیی بر دهانم کوبید که لبم پاره شد و خون زیادی روی لباس عروسی ام ریخت اما من این ماجرا را از مادر و ناپدری ام پنهان کردم و چیزی نگفتم. صادق

چند روز با من سرسنگین بود و هر چه التماس می کردم که رحمت فقط همکلاسی دانشگاهم است، باور نمی کرد. از آن روز به بعد هر بار با هم بیرون می رفتیم، او مرا به پنهان نگاه کردن به مردان غریبه کتک می زد یا در دم درگیر می شد که به همسرش نگاه کرده اند! او در همین روزها به مصرف مواد مخدر رو آورد و مدعی بود برای رهایی از شر این افکار پوچ درباره خیانت، مواد مصرف می کند. او هر بار پس از مصرف مواد با خوشحالی نزد من می آمد و التماس می کرد تا به رابطه غیر اخلاقی ام با رحمت اعتراف کنم اما من فقط گریه می کردم و به خاطر این تهمت ناروا اشکم می ریختم. صادق دوباره عصبانی می شد و با شکستن وسایل منزل بازم من را کتک می زد. سه ماه از مراسم عقد کنانمان گذشته بود و من در خانه مجردی صادق زندگی می کردم که روزی گوشی تلفنم خراب شد و من آن را برای تعمیر به صادق دادم ولی او هنگام بررسی گوشی تلفن، نام رحمت را در واتس اپ و اینستاگرام من دید که او را در فهرست

سیاه بلک لیست) گذاشته بودم. او ناگهان گوشی را شکست و با میله جاروبرقی به جان من افتاد، آن قدر کتکم زد که خودش خسته شد و بعد هم در خانه ا قفل کرد و بیرون رفت. دوبروز در خانه تنها بودم و دسترسی به تلفن هم نداشتم. بعد از این مدت صادق دوباره به خانه بازگشت و باز هم مرا کتک زد. او با فریادهايش از من می خواست به ارتباطم با رحمت اعتراف کنم. او می گفت، اگر ماجرای این ارتباط را نگوئی تورا می کشم! با التماس فریادمی زدم او فقط همکلاسی من بود. هیچ رابطه ای بین ما نیست. شب عقد کنان هم وقتی فهمیدم از تبریک صمیمانه او ناراحت شده ای، بلافاصله نامش را در فهرست سیاه گذاشتم! ولی

صادق توقع شنیدن پاسخی غیر از این را داشت و من همچنان از درد به خود می پیچیدم. در این هنگام چشمم به کلیدروی در افتاد و منتظر فرصتی بودم تا از این جهنم سیاه بگریزم. در همین حال صادق حوله را برداشت تا دوش بگیرد و فریاد و فویتی از حمام بیرون آمدم باید همه حقیقت را بگوئی. من هم بلافاصله از خانه فرار کردم به کلانتری آمدم تا...

گزارش خراسان حاکی است، با صدور دستوری ویژه و با راهنمایی های سرهنگ مهدی کسروی (رئیس کلانتری نجفی)، رسیدگی کارشناسی و بررسی های روان شناختی این پرونده به گروه مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری

خراسان رضوی